

الله أكبر
محمد الرحمن

به نام یکتا مهندس هستی...



راهنمای مطالعه کتاب

سپاس خداوندی را که ما را یاری کرد تا با انتشار این کتاب، خدمتی دیگر و البته باز هم ناچیز، به شما عزیزان ارائه کنیم.

پس از گذشت سه سال از زمان تألیف کتاب زبان عمومی ارشد، از نمایشگاه کتاب سال گذشته تصمیم به بازنویسی و بالا بردن قابلیت‌های آن گرفتیم. قبل از توضیح در مورد این کتاب که یک سال تلاش شبانه‌روزی برای تألیف مجدد آن صرف شده است، ابتدا به موارد زیر توجه نمائید:

- ۱- آیا می‌دانید که در طرح ۶۰ درصد سؤالات قسمت **Vocabulary**، از لغات مطرح شده در کنکورهای گذشته استفاده می‌شود؟
- ۲- آیا می‌دانید که در طرح ۹۰ درصد سؤالات قسمت **Grammar**، از ایده به کار رفته در کنکورهای گذشته استفاده می‌شود؟
- ۳- آیا می‌دانید که میانگین درصد درس زبان عمومی در کلیه رشته‌های کنکور کارشناسی ارشد، زیر ۱۰ درصد است؟

حال از خود می‌پرسید که چرا موارد مطرح شده در بند (۱) و (۲)، ارتباط منطقی با بند (۳) ندارد و درصد داوطلبان بیش از اندازه پایین به نظر می‌رسد. پاسخ این سؤال را به صورت زیر می‌توان ارائه کرد:

۱- در قسمت گرامر، دانشجویان باید همان اندازه که به یادگیری ساختارهای اصلی می‌پردازند، توانایی حذف کردن گزینه‌های نادرست را نیز داشته باشند و به عبارت ساده‌تر بتوانند از طریق مهندسی معکوس، به تست پاسخ صحیح دهند. به شما اطمینان می‌دهیم که هیچ مرجعی (اعم از مراجع انگلیسی و فارسی)، این کار را به خوبی این کتاب انجام نداده است و با مطالعه قسمت گرامر این کتاب، در هر سطحی که باشید توانایی پاسخگویی به تست‌ها را پیدا خواهید کرد.

۲- در قسمت لغت، دانشجویان باید مجموعه‌ای منظم و سطح‌بندی شده را در اختیار داشته باشند که حاوی لغات مهم پر تکرار کنکورهای گذشته و همچنین لغات کتاب‌های معتبر مطرح در زبان باشد (مانند **Essential Words for the TOEFL**، **504 Absolutely Essential Words**، **400 Must-Have Words for the TOEFL** و ...). در کتاب قبلی سری عمومی بدون سطح‌بندی کردن، لغات مهم را برای شما آورده بودیم که به خاطر سپردن آن کمی دشوار بود. برای رفع این مشکل در کتاب جدید زبان سری عمومی، در یک حجم مناسب کلیه لغات کنکور در سال‌های گذشته و کتاب‌های نام برده شده را با مثال‌های فراوان سطح‌بندی کرده و به شیوه‌ای که به خاطر سپردنشان برای شما بسیار راحت‌تر است، آورده‌ایم. نکته قابل توجه در مورد این کتاب، ارائه هر درس در فضایی شبیه به یک کلاس با مدت زمان مطالعه یک هفته است، تا دانشجویان در مجموع با مطالعه قسمت لغت این مجموعه، در زمان کوتاه نتیجه بسیار مناسبی بگیرند.

توجه: زبان عمومی در آزمون کارشناسی ارشد، ۱۵ سؤال از ۳۰ سؤال درس زبان را به خود اختصاص می‌دهد که ۱۰ سؤال آن مربوط به تست‌های بخش لغات و ۵ سؤال دیگر آن مربوط به مباحث گرامر است و در قالب یک **cloze test** بیان می‌شود. جالب است بدانید که سؤالات زبان عمومی، مرتبط با رشته‌های تحصیلی مطرح نمی‌شود، بلکه با توجه به روز و زمانی که آزمون رشته‌های تحصیلی مختلف برگزار می‌شود سؤالات متفاوت طراحی می‌گردند. به طور مثال رشته‌هایی که در روز چهارشنبه صبح برگزار می‌شود همه دارای یک سری سؤال زبان

عمومی می‌باشند، بنابراین دانشجویان با رشته‌های تحصیلی متفاوت، همه باید از مطالب یک مرجع و منبع مطالعه کنند.

۱- روند و نحوه مطالعه مباحث گرامر

- ۱) مطالب بخش گرامر به صورت مهارتی و گام به گام در یک برنامه روزانه آموزش داده شده است به طوری که شما در هر روز، بر یک بخش از مباحث مهم گرامر در آزمون کارشناسی ارشد تسلط پیدا خواهید کرد. قابل ذکر است که دسته‌بندی مطالب کتاب زبان عمومی جدید منحصر به فرد بوده و ساعت‌ها بر روی آن کار شده است.
- ۲) با توجه به اینکه زمان دانشجویان برای آمادگی آزمون بسیار محدود است و نمی‌توانند زمان زیادی به درس زبان عمومی نسبت به دیگر دروس تخصصی خود اختصاص دهند، در فصل‌های این کتاب در انتهای هر روز یک جمع‌بندی از کل مطالب آن روز و تکنیک‌های حل تست آن بیان شده است که برای پاسخگویی به سؤالات آن بخش کافی می‌باشد. می‌توان گفت با مطالعه این جمع‌بندی‌ها شما نیازی به خلاصه‌نویسی و دسته‌بندی مطالب ندارید.
- ۳) پس از مطالعه مطالب هر روز و جمع‌بندی آن، تست‌های آن بخش در داخل درس‌نامه بیان شده است. دقت کنید که تست‌ها به گونه‌ای انتخاب شده که با مطالعه آنها، به صورت تدریجی و گام به گام به تسلط بسیار مطلوبی در آن بحث خواهید رسید.
- دقت:** دانشجویانی که زمان کافی برای بررسی تست‌های آخر هر فصل ندارند نگران نباشند، این عزیزان تنها با مطالعه درسنامه این کتاب نیز می‌توانید به نتیجه مطلوبی در آزمون کارشناسی ارشد برسند.
- ۴) مهمترین هدف بخش گرامر این کتاب آن است که دانشجویان با مطالعه این بخش، توانایی پاسخگویی به سؤالات در قالب یک cloze test را داشته باشند. برای این منظور در آخرین فصل بخش گرامر کتاب مهارت‌های حرفه‌ای زدن cloze test را با دیدگاهی جدید به شما آموزش داده‌ایم و علاوه بر آن در یک کار جدید، از دایرة المعارف‌های بسیار معتبر مانند Britannica و ... نیز سؤالاتی طرح شده که از آنها تست‌های فراوانی در کنکور مطرح می‌شود.
- ۵) تجربه ما نشان داده است که در پاسخگویی به سؤالات گرامر، تشخیص ارکان اصلی جمله بسیار مهم است. از آنجایی که تعداد زیادی از داوطلبان در پاسخگویی به سؤالات دستور زبان انگلیسی شاید به همین دلیل مقدماتی دچار مشکل می‌شوند، در یک پیش فصل به بررسی مفاهیم پایه‌ای گرامر مرتبط با این موضوع پرداخته‌ایم.

۲- روند و نحوه مطالعه بخش لغات

- ویژگی‌های بخش واژگان
- درس‌های قسمت لغات در سه سطح واژگان (سطوح ۱)، (۲) و (۳) که مطالعه سطح (۳) تنها به دانشجویان قوی توصیه می‌شود، تقسیم شده است. از طرفی در هر درس، به بررسی موارد زیر پرداخته‌ایم:
- 🔗 آموزش کاربردی استفاده از ریشه‌ها در حدس زدن معنای لغات انگلیسی
 - 🔗 آموزش تفاوت کاربرد لغات با معنای یکسان، در جملات



- بررسی کلیه لغت‌های داخل متن جملات و تست‌ها (دقت داشته باشید که این لغات در پاورقی‌های هر صفحه آورده شده است و از طرفی در روبروی آن یک عدد وجود دارد، این عدد همان شماره تست یا شماره واژه‌ای است که لغت مورد نظر را در آن مطرح کرده‌ایم) **دقت:** مطالب داخل پاورقی درس‌ها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و توصیه می‌شود به خوبی نکات آن را به خاطر بسپارید. خواهید دید که شما با مطالعه این بخش، احساس حضور در یک کلاس درس واژگان زبان انگلیسی را دارید.
- آموزش نحوه پاسخگویی به سؤالات با لغات جدید و همچنین مدیریت زمان در جلسه آزمون

برنامه هفتگی مطالعه بخش واژگان

لغات این کتاب از ۱۷ درس (سطح ۱ و ۲) و ۲۳ آزمون (سطح ۳) تشکیل شده است که هر درس شامل ۳۰ لغت مهم و بسیار ضروری می‌باشد. شما با اختصاص زمان یک هفته بر روی هر درس می‌توانید بر این لغات و تست‌های مرتبط با آن تسلط پیدا کنید. توصیه می‌شود که دانشجویان گرامی در هر روز، ۱۰ لغت از ۳۰ لغت را مطالعه کرده و جملات مطرح شده آن در هر درس را به طور کامل بررسی کنند. با این روند پس از ۳ روز، مطالعه ۳۰ لغت و جملات مرتبط با آن به اتمام خواهد رسید. در روز چهارم و پنجم ۱۰ تست اول و ۱۰ تست دوم که جهت تثبیت ۳۰ لغت اصلی آورده شده است را خوانده و در روز ششم نکات آموزشی بیان شده در درسنامه آن درس را مطالعه کنید. در انتها در روز هفتم به بررسی ۱۰ تست انتهایی که کلیه لغات درس و همچنین درسنامه در آن مرور شده است، بپردازید و کار خود در این درس را به پایان رسانید. شما با انجام این برنامه در هر هفته، یک درس را به طور کامل مطالعه کرده و با ادامه این برنامه، طی ۱۷ هفته به تسلط بسیار مطلوبی در بخش لغات سطح ۱ و ۲ خواهید رسید.

دانشجویان عزیز توجه داشته باشید که:

- تست‌های درسنامه همواره در جهت تثبیت لغات در ذهن شما آورده شده است و با بررسی این تست‌ها، به طور تدریجی با نحوه پاسخگویی به تست‌های لغات آشنا خواهید شد. همچنین تعداد تست‌های مطرح شده ۱۰ عدد می‌باشد که دقیقاً برابر تست‌های مطرح شده در دفترچه آزمون است.
- درس‌های لغات به صورتی مطرح شده است که با مطالعه هر درس، لغات درس‌های قبل از آن را نیز مرور خواهید کرد. بنابراین نگران فراموشی لغات مطرح شده در درس‌های گذشته نباشید.
- مطالعه جداول لغات تکمیلی در درس‌های ۷ تا ۱۷ به دانشجویان علاقه‌مند توصیه می‌شود.
- مجدداً تأکید می‌کنیم که شما با مطالعه لغات درس‌های سطح (۱) و (۲)، بر کلیه لغات کنکورهای گذشته و لغات مهم و ضروری کتاب‌های اصلی 504 Absolutely Essential Words ، Essential Words for the TOEFL ، 400 Must-Have Words for the TOEFL ، Vocabulary for the High School Student تسلط خواهید یافت.

«به یادتان هستیم به یادمان باشید»

قسمت اول: لغات vocabulary

واژگان سطح ۱

۸	درس اول
۲۲	درس دوم
۳۶	درس سوم
۵۰	درس چهارم
۶۴	درس پنجم

واژگان سطح ۲

۷۸	درس ششم
۹۲	درس هفتم
۱۰۶	درس هشتم
۱۲۰	درس نهم
۱۳۶	درس دهم
۱۵۰	درس یازدهم
۱۶۴	درس دوازدهم
۱۷۸	تسلط (۱)
۱۸۸	درس سیزدهم
۲۰۲	درس چهاردهم
۲۱۶	تسلط (۲)
۲۲۶	درس پانزدهم
۲۴۰	درس شانزدهم
۲۵۴	تسلط (۳)
۲۶۴	درس هفدهم

واژگان سطح ۳

۲۷۸	آزمون‌های جمع‌بندی و تسلط
-----	---------------------------

قسمت دوم: گرامر Grammar

۳۲۸	پیش فصل: مروری بر ساختار جملات انگلیسی
۳۳۶	فصل اول: فعل و زمان آن
۳۷۶	فصل دوم: ضمائر موصولی
۴۱۰	فصل سوم: صفت و قید
۴۵۶	فصل چهارم: حروف اضافه و کاربردهای آن
۴۸۲	فصل پنجم: مباحث تکمیلی گرامر
۴۹۸	فصل ششم: نگاهی حرفه‌ای به cloze test
۵۲۸	آزمون‌های سراسری سال ۹۵



Lesson 1

1	prepare	16	relate
2	intend	17	consequence
3	provide	18	improve
4	increase	19	confine
5	contain	20	require
6	obtain	21	develop
7	estimate	22	proportion
8	underestimate	23	initial
9	produce	24	sufficient
10	impose	25	combine
11	occur	26	consist
12	compare	27	explain
13	prevent	28	include
14	adapt	29	trouble
15	permit	30	suffer

prepare

۱- آماده کردن

I was asked to *prepare* a report for our next meeting.

از من خواسته شده بود که گزارشی برای جلسه بعدیمان آماده کنم.

intend

۲- قصد داشتن

We *intend* to go to Australia next year.

ما قصد داریم که سال آینده به استرالیا برویم.

provide

۳- تهیه کردن، فراهم کردن

Our office can *provide* information on the local area.

اداره ما می‌تواند اطلاعاتی را در خصوص منطقه محلی فراهم کند.

increase

۴- افزایش یافتن

Ant: decrease, reduceThe population *increased* dramatically in the first half of the century.

جمعیت در نیمه اول این قرن به‌طور شدیدی افزایش یافت.

- داوطلبین عزیز توبه داشته باشید لغات ۱ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ در عین سادگی در کنکور سراسری ۹۴ تکرار شده‌اند.
- دقت کنید لغت **dramatically** در جمله لغت (۱۴) یک توبه است و به معنای «به‌طور چشمگیر، به‌طور شدید» می‌باشد و فرم صفت آن **dramatic** به معنای «قابل توبه و مهیب، عظیم و ناکهانه، نمایشی» است. به مثال زیر توبه کنید:
Computers have brought **dramatic** changes to the workplace.

کامپیوترها تغییرات قابل توبه در معاد کار ایجاد کرده‌اند.



۵- شامل بودن **contain**

Try to avoid foods which **contain** a lot of fat.

سعی کنید از غذاهایی که **حاوی** مقدار زیادی از چربی **می‌باشند**، اجتناب نمایید.

۶- به دست آوردن **obtain**

First editions of these books are now almost impossible to **obtain**.

به دست آوردن نسخه‌های اولیه این کتاب‌ها در حال حاضر تقریباً غیرممکن است.

۷- تخمین زدن، برآورد کردن، تخمین **estimate**

According to some **estimates**, almost two thirds of the city has been destroyed by the earthquake.

براساس برخی **تخمین‌ها**، تقریباً دو سوم شهر در اثر زلزله تخریب شده است.

۸- ناچیز پنداشتن، دست‌کم گرفتن **underestimate**

Their big mistake was to **underestimate** their opponents' skill in handling the news media.

اشتباه بزرگ آنها **دست‌کم گرفتن** مهارت رقیبشان در هدایت رسانه‌های خبری بود.

۹- تولید کردن **produce**

n. product

She works for a company that **produces** electrical goods.

او برای شرکتی کار می‌کند که کالاهای الکتریکی **تولید می‌کند**.

۱۰- تحمیل کردن، اعمال کردن **impose**

Very high taxes have recently been **imposed** on cigarettes.

اخیراً مالیات‌های سنگینی بر سیگار **اعمال گردیده است**.

۱۱- رخ دادن، اتفاق افتادن **occur**

n. occurrence

The police said that the accident **occurred** at about 4:30 pm.

پلیس عنوان کرد که تصادف در حدود ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر **رخ داده است**.

۱۲- مقایسه کردن **compare**

n. comparison, comparative

The results are then **compared** to the results of previous studies.

سپس نتایج با نتایج مطالعات قبلی **مقایسه می‌گردد**.

۱۳- مانع شدن، جلوگیری کردن **prevent**

n. prevention

His back injury may **prevent** him from playing in tomorrow's game.

آسیب کمرش ممکن است **مانع** از بازی کردنش در مسابقه فردا **شود**.

avoid (5)

destroy (7) | اجتناب کردن

غراب کردن

opponent (8)

injury (13) | متالف، رقیب

صدمه آسیب

○ دروطلبان عزیز دقت کنید لغت impose در آزمون کارشناسی ارشد بسیار پر تکرار بوده است.

**adapt**

۱۴- وفق دادن

n. adaptationThe children are finding it hard to **adapt** to the new school.

از نظر بچه‌ها سازگاری پیدا کردن با مدرسه جدید دشوار به نظر می‌رسد.

permit

۱۵- اجازه دادن

n. permissionThe use of mobile phones is not **permitted** inside the aircraft.

استفاده از تلفن‌های همراه در داخل هواپیما مجاز نمی‌باشد.

relate

۱۶- مربوط کردن، نقل کردن (حکایت کردن)

Researchers are trying to **relate** low exam results with large class sizes.

محققین در تلاشند تا نتایج ضعیف امتحان را به ابعاد بزرگ کلاس ربط دهند.

She **related** the events of previous week to the police.

او وقایع هفته گذشته را برای پلیس نقل کرد.

consequence

۱۷- نتیجه، پیامد

Syn: result, outcome, corollaryMany believe that poverty is a direct **consequence** of overpopulation.

بسیاری معتقدند که فقر نتیجه مستقیم جمعیت زیاد می‌باشد.

improve

۱۸- اصلاح کردن، بهبود بخشیدن

n. improvementI thought the best way to **improve** my French was to live in France.

فکر می‌کردم بهترین راه برای اصلاح کردن زبان فرانسوی‌ام زندگی در فرانسه بود.

confine

۱۹- محدود کردن

Let's **confine** our discussion to the matter in question, please!

لطفاً اجازه دهید که بحثمان را به موضوع سوال محدود نماییم.

require

۲۰- نیاز داشتن، مستلزم بودن

n. requirementWorking with these children **requires** a great deal of patience.

کار کردن با این بچه‌ها نیازمند صبر زیادی می‌باشد.

believe (17)	اعتقاد داشتن	poverty (17)	فقر	overpopulation (17)	افزانه جمعیت
--------------	--------------	--------------	-----	---------------------	--------------

discussion (19)	بحث	matter (19)	موضوع	patience (20)	صبر
-----------------	-----	-------------	-------	---------------	-----

● دوستان عزیز دقت کنید لغت **sequence** که از لحاظ ظاهری شبیه لغت مفهوم است به معنای «توالی، مجموعه از رویدادهای مرتبط» می‌باشد. به مثال زیر توجه کنید:

A computer can store and repeat **sequences** of instructions.

یک کامپیوتر می‌تواند مجموعه‌هایی از فرامین را ذخیره و تکرار کند.

**develop**

۲۱ - توسعه دادن، رشد یافتن

n. development

It became clear that he wasn't *developing* like all the other little boys.

واضح شد که آن کودک مشابه سایر پسر بچه‌ها، در حال رشد نبود.

proportion

۲۲ - مقدار، نسبت

Adj. proportional (متناسب)

Water covers a large *proportion* of the earth's surface.

آب بخش (نسبت) زیادی از سطح زمین را می‌پوشاند. (نسبت زیادی در مقایسه با خشکی‌ها)

initial

۲۳ - اولیه، ابتدایی

Initial reports say that seven people have died, though this has not yet been confirmed.

گزارش‌های اولیه عنوان می‌کند که هفت نفر مرده‌اند، هر چند که این گزارش‌ها هنوز تأیید نگردیده است.

sufficient

۲۴ - کافی

Syn: enough, adequate

Bank will refuse to rent money to anyone without *sufficient* collateral.

بانک از وام دادن به افراد بدون وثیقه کافی امتناع می‌کند.

combine

۲۵ - به هم پیوستن، ترکیب کردن

Syn: unite, join, merge, coalesce

The two countries *combined* against their common enemy.

دو کشور، بر علیه دشمن مشترکشان به هم پیوستند.

consist

۲۶ - شامل بودن، متشکل بودن

Happiness does not *consist* in how many possessions you own.

خوشبختی شامل این نمی‌گردد که شما چقدر اموال دارید.

confirm (23)

تأیید کردن

collateral (24)

وثیقه، ثانوی (فرعی)

against (25)

علیه

common (25)

معمول، مشترک

● دوستان عزیز در رابطه با لغات (۱۶) به نکات زیر دقت کنید:

☛ صفت *consistent* به معنای «ثابت، همسان» و اسم آن *consistency* به معنای «ثابت، منسجم» می‌باشد. دقت داشته باشید که معنای آنها با لغت (۱۶) هیچ ارتباطی ندارد. این دو لغت در آزمون‌های سال‌های اخیر پرتکرار بوده است لذا جهت درک بهتر مثال آنها را از دیکشنری کمبریج و لانگمن که در راهنمای ابتدای بخش لغات معرفی شد مطالعه کنید.

☛ به لغات زیر که از لحاظ ظاهری شبیه لغت *consist* است توجه کنید.

assist

کمک کردن

resist

مقاومت کردن

persist

پاشاری کردن

subsist

گذران کردن (به دست آوردن پوچ و غذای کافی برای زنده ماندن)

☛ دوستان عزیز به تفاوت موجود در نحوه استفاده از واژگان *insist* و *persist* که از لحاظ معنایی تقریباً معادل می‌باشند (اصرار کردن، پاشاری کردن) توجه کنید.

persist in, insist on



explain

۲۷- توضیح دادن

The teacher *explained* the rules to the children.

معلم قواعد را برای بچه‌ها توضیح داد.

include

۲۸- شامل بودن

n. inclusion , *Syn:* comprise , contain , consist of

Does the price *include* postage?

آیا قیمت شامل هزینه پست هم می‌گردد؟

trouble

۲۹- مشکل

We're having a lot of *trouble* with the new computer system.

ما مشکلات زیادی با سیستم کامپیوتری جدید داریم.

suffer

۳۰- رنج بردن، متحمل شدن

At least he died suddenly and didn't *suffer*.

لااقل او به‌طور ناگهانی فوت کرد و رنج نکشید.



- 1- Her health has dramatically since she started on this new diet.
1) destroyed 2) adapted 3) avoided 4) improved
- 2- They that the journey will take at least two weeks.
1) permit 2) require 3) estimate 4) prevent
- 3- She has to her parents' permission before she does anything.
1) obtain 2) adapt 3) suffer 4) admit
- 4- They a meeting between the teachers and students.
1) increased 2) developed 3) estimated 4) organized
- 5- There's a lot of public about modern farming methods.
1) concern 2) ability 3) growth 4) variety
- 6- He was from prison after serving two years of a five-year sentence.
1) released 2) confined 3) related 4) reduced
- 7- The cause of the accident is still unclear and further investigation.
1) prevents 2) requires 3) includes 4) improves
- 8- Our office can information on the local area.
1) define 2) relate 3) provide 4) express
- 9- I've lost a file a lot of important documents.
1) inventing 2) containing 3) supporting 4) producing
- 10- The report seeks to the rise in crime to an increase in unemployment.
1) relate 2) construct 3) occur 4) cause

organize (4)	سازماندهی کردن	growth (5)	رشد
variety (5)	تنوع	sentence (6)	جمله، حکم (مجازات)
express (8)	بیان کردن	construct (10)	ساختن

◉ دارطلبان عزیز در رابطه با لغت seek در تست ۱۰، به نکات زیر دقت کنید:
 ✍️ لغت seek در کنکور کارشناسی ارشد سال‌های اخیر اهمیت ویژه‌ای داشته است.
 ✍️ به معنای جستجو کردن می‌باشد و فرم گذشته آن sought است.
 ✍️ با اصطلاحات زیر به کار می‌رود:

seek refuge / asylum / shelter (به دنبال سرپناه بودن)
 seek revenge (به دنبال انتقام گرفتن)
 seek (somebody's) advice / help / assistance (به دنبال توصیه یا کمک کسی بودن)

✍️ به دو مثال زیر دقت کنید:

- 1) Thousands of people crossed the border, **seeking** refuge from the war.
 هزاران نفر از مردم در **جستجوی** سرپناهی از جنگ، از مرز عبور کردند.
- 2) If the symptoms persist, **seek** medical device.
 اگر علائم ادامه داشت، به دنبال توصیه پزشکی باشید.



۱- (۴) از زمانی که این رژیم جدید را آغاز کرده است، سلامتی‌اش به طرز قابل توجهی بهبود یافته است.

- (۱) خراب کردن
(۲) وفق دادن
(۳) اجتناب کردن
(۴) اصلاح کردن، بهتر شدن

۲- (۳) آنها تخمین می‌زنند که سفر حداقل ۲ هفته طول می‌کشد.

- (۱) اجازه دادن
(۲) نیاز داشتن
(۳) تخمین زدن
(۴) جلوگیری کردن

۳- (۱) او باید اجازه والدینش را کسب کند قبل از اینکه بخواهد هر کاری بکند.

- (۱) به دست آوردن
(۲) وفق دادن
(۳) متحمل شدن، رنج بردن
(۴) پذیرفتن

۴- (۴) آنها جلسه‌ای را میان معلمان و دانش‌آموزان ترتیب دادند.

- (۱) افزایش دادن
(۲) توسعه دادن
(۳) تخمین زدن
(۴) سازماندهی کردن

۵- (۱) نگرانی‌های عمومی زیادی در خصوص شیوه‌های نوین کشاورزی وجود دارد.

- (۱) نگرانی
(۲) توانایی
(۳) رشد
(۴) تنوع

۶- (۱) او پس از تحمل ۲ سال از حکم ۵ ساله خود از زندان آزاد گردید.

- (۱) رها ساختن
(۲) محدود کردن
(۳) مربوط ساختن، نقل کردن
(۴) کاهش دادن

۷- (۲) علت تصادف هنوز مشخص نیست و به بررسی بیشتر نیاز دارد.

- (۱) جلوگیری کردن
(۲) نیاز داشتن
(۳) شامل شدن
(۴) اصلاح کردن

۸- (۳) اداره ما می‌تواند اطلاعاتی را در خصوص منطقه محلی فراهم کند.

- (۱) تعریف کردن
(۲) مربوط کردن
(۳) فراهم کردن
(۴) بیان کردن

۹- (۲) من پوشه‌ای را گم کرده‌ام که حاوی مدارک مهمی بود.

- (۱) اختراع کردن
(۲) شامل بودن
(۳) حمایت کردن
(۴) تولید کردن

۱۰- (۱) این گزارش به دنبال این است که افزایش جرم و جنایت را به افزایش بیکاری ربط دهد.

- (۱) مربوط ساختن، نقل کردن
(۲) ساختن
(۳) رخ دادن
(۴) باعث شدن



11- We are now the same quantity of goods with far fewer workers.

- 1) satisfying 2) achieving 3) increasing 4) producing

12- some recent work with your older stuff and you'll see how much you've improved.

- 1) Develop 2) Compare 3) Obtain 4) Estimate

13- The name of the dead man will not be released until his relatives have been..... .

- 1) informed 2) faced 3) included 4) prevented

14- We tried to her, but she was determined to go.

- 1) suffer 2) request 3) impose 4) prevent

15- Diets are most effective when with exercise.

- 1) caused 2) created 3) confirmed 4) combined

16- The security system will not you to enter without the correct password.

- 1) protect 2) perform 3) permit 4) adapt

17- The study a connection between poverty and crime.

- 1) indicates 2) respects 3) contains 4) compares

18- We were not to enter the area during the investigation.

- 1) increased 2) avoided 3) imposed 4) permitted

19- An accident involving over ten vehicles has in the east-bound lane.

- 1) maintained 2) occurred 3) stored 4) builded

20- Animals have died as a of coming into contact with this chemical.

- 1) character 2) behaviour 3) consequence 4) skill

quantity (11)

کمیت

release (13)

رها کردن، آزاد ساختن

protect (16)

حفاظت کردن

respect (17)

احترام گذاشتن

maintain (19)

تفط کردن

● دانشجو یان معتزم لغت **determine** به معنای «تصمیم گرفتن، تعیین کردن» را در تست (۱۱) به خاطر بسپارید به مثال زیر توجه کنید:

Investigators are still trying to **determine** the cause of the fire.

بازرسیکن هنوز در حال تلاش برای تعیین علت حریق می‌باشند.



۱۱- (۴) ما در حال حاضر مقدار مشابهی از کالاها را با کارگرانی به مراتب کمتر تولید می‌کنیم.

- | | |
|----------------|---------------|
| ۱) ارضا کردن | ۲) کسب کردن |
| ۳) افزایش دادن | ۴) تولید کردن |

۱۲- (۲) برخی از کارهای اخیرت را با کارهای قدیمی‌تر مقایسه کن و خواهی دید که چقدر رشد کرده‌ای.

- | | |
|-----------------|----------------|
| ۱) توسعه دادن | ۲) مقایسه کردن |
| ۳) به دست آوردن | ۴) تخمین زدن |

۱۳- (۱) نام فرد متوفی تا زمانی که بستگانش مطلع نگردند اعلام نخواهد شد.

- | | |
|---------------|-----------------|
| ۱) مطلع ساختن | ۲) مواجه شدن |
| ۳) شامل بودن | ۴) جلوگیری کردن |

۱۴- (۴) ما تلاش کردیم که مانع از (رفتن) او شویم ولی او مصمم به رفتن بود.

- | | |
|---------------|-----------------|
| ۱) رنج بردن | ۲) تقاضا کردن |
| ۳) تحمیل کردن | ۴) جلوگیری کردن |

۱۵- (۴) رژیم‌های غذایی هنگامی که با تمرینات ورزشی توأم می‌گردند از بیشترین اثربخشی برخوردار می‌گردند.

- | | |
|---------------|------------------|
| ۱) باعث شدن | ۲) به وجود آوردن |
| ۳) تأیید کردن | ۴) ترکیب کردن |

۱۶- (۳) سیستم امنیتی بدون رمز عبور صحیح به شما اجازه ورود نخواهد داد.

- | | |
|----------------|---------------|
| ۱) محافظت کردن | ۲) انجام دادن |
| ۳) اجازه دادن | ۴) وفق دادن |

۱۷- (۱) مطالعات نشان‌دهنده رابطه‌ای میان فقر و جنایت می‌باشد.

- | | |
|--------------|------------------|
| ۱) نشان دادن | ۲) احترام گذاشتن |
| ۳) شامل شدن | ۴) مقایسه کردن |

۱۸- (۴) ما مجاز به ورود به این منطقه در طی زمان تحقیق نبودیم.

- | | |
|----------------|----------------|
| ۱) افزایش دادن | ۲) اجتناب کردن |
| ۳) تحمیل کردن | ۴) اجازه دادن |

۱۹- (۲) تصادفی که شامل بیش از ۱۰ خودرو می‌باشد در مسیر شرقی رخ داده است.

- | | |
|---------------|------------|
| ۱) حفظ کردن | ۲) رخ دادن |
| ۳) ذخیره کردن | ۴) ساختن |

۲۰- (۳) حیوانات در اثر در تماس قرار گرفتن با این ماده شیمیایی مرده‌اند.

- | | |
|-----------------|----------|
| ۱) خصوصیت | ۲) رفتار |
| ۳) نتیجه، پیامد | ۴) مهارت |



درستنامه

همانطور که در ابتدای بخش لغات گفته شد در این قسمت از درس می‌خواهیم به بررسی ریشه‌ها و لغات مشابه در زبان انگلیسی بپردازیم. دانشجویان عزیز در این درستنامه با ریشه **prim** آشنا می‌شویم. دقت کنید این ریشه به معنای اولیه، ابتدایی، اصلی می‌باشد، لذا لغاتی که شامل این ریشه می‌شوند به نحوی معنایی مرتبط با آن دارند. در ادامه به بررسی تعدادی لغات که از ریشه **prim** تشکیل شده است می‌پردازیم.

primitive (PRIM itive)

بدوی

DEF: from the earliest time

EXP: The local hospital care is *primitive* and unreliable.مراقبت‌های بیمارستان محلی، *ابتدایی* و غیرقابل اعتماد می‌باشد.**primary (PRIM ary)**

اولیه، اصلی

DEF: first in order of time, main

EXP: Our *primary* concern is to provide the refugees with food healthcare.دغدغه *اصلی* ما عبارت است از فراهم کردن غذا و خدمات درمانی برای پناهندگان.**primacy (PRIM acy)**

تقدم، برتری

DEF: state of being first in rank, principal

EXP: The government insists on the *primacy* of citizen's rights.دولت بر روی *اولویت* حقوق شهروندی اصرار دارد.**prime (PRIM e)**

اصلی

DEF: main or most important

EXP: The president is a *prime* target for the assassin's bullet.رئیس‌جمهور هدف *اصلی* گلوله تروریست‌هاست.**primal (PRIM al)**

ابتدایی

DEF: first, original

EXP: The *primal* theme of the essay is toleration of religious diversity.موضوع *ابتدایی* این مقاله عبارت است از تحمل تنوع مذهبی.

- دارولپین عزیز دقت کنید لغت **primeval** (کهن، اولیه، پیشین) و **primordial** (بسیار کهن، اولیه) نیز مرتبط با این ریشه هستند.
- حال جهت تسلط بیشتر پس از مطالعه لغات این بخش به بررسی **ه** تست که مرتبط با لغات ابتدایی درس و این درستنامه می‌باشد، می‌پردازیم لذا توصیه می‌شود قبل از پاسخ به آنها یکبار دیگر لغاتی که تا این قسمت یاد گرفتیم را مرور کنید.



21-The government's aim is to see significant reductions in unemployment.

- 1) primary 2) relative 3) regular 4) essential

22-The new bridge should travelling time from 50 minutes to 15 minutes.

- 1) reduce 2) develop 3) grow 4) benefit

23-Knowledge in the field of genetics has been very rapidly.

- 1) developing 2) preventing 3) recommending 4) attracting

24-With regard to European defence, they accept the of NATO.

- 1) relation 2) primacy 3) protection 4) provision

25-Our concern is providing jobs for all young school leavers.

- 1) prime 2) proportional 3) estimated 4) primeval

26-The accommodation at the camp was a bit

- 1) adequate 2) sufficient 3) related 4) primitive

27-Schools should do more to children for the world of work.

- 1) intend 2) protect 3) prepare 4) prevent

28-It was difficult to how many trees had been destroyed.

- 1) confine 2) adapt 3) estimate 4) impose

29-He was named as the suspect in the murder investigation.

- 1) prime 2) strange 3) primitive 4) influential

30- The schedule isn't final, but we don't many changes.

(سرااa

aim (21)	هدف	significant (21)	مهم	unemployment (21)	بیکاری
accept (24)	پذیرفتن	defence (24)	دفاع	concern (25)	نگرانی
accommodation (26)	فضای اسکان	suspect (29)	مظنون	influential (29)	تأثیرگذار

دوستان عزیز در رابطه با تست ۲۹ به موارد زیر توجه کنید:

لغت suspect به معنای «شک داشتن، بدگمان بودن (ظنون بودن)، مظنون» می‌باشد. به مثال زیر دقت کنید:

Although they were in the area on the day of the robbery, no one *suspected* them.

هر چند که آنها در روز سرقت در محل بودند، اما هیچ کس به آنها *ظنون* نشد.

لغت investigation به معنای «بررسی، تحقیق» است و حالت اسمی فعل *investigate* به معنای «بررسی کردن، تحقیق (باررسی) کردن» می‌باشد. به مثال زیر دقت کنید:

Police are *investigating* possible links between the murders.

پلیس در حال *بررسی* ارتباط‌های ممکن بین قتل‌ها می‌باشد.



- ۲۱- (۱) هدف عمده دولت عبارت است از بررسی افتهای قابل توجه در بیکاری.
 (۱) عمده، اصلی (۲) نسبی
 (۳) منظم (۴) ضروری، حیاتی
- ۲۲- (۱) پل جدید باید زمان سفر را از ۵۰ دقیقه به ۱۵ دقیقه کاهش دهد.
 (۱) کاهش دادن (۲) توسعه دادن
 (۳) رشد کردن (۴) منفعت، نفع بردن
- ۲۳- (۱) دانش در حوزه ژنتیک به سرعت رشد کرده است.
 (۱) توسعه دادن (۲) جلوگیری کردن
 (۳) توصیه کردن (۴) جذب کردن
- ۲۴- (۲) با توجه به دفاع از اروپا، آنها اولویت ناتو را می‌پذیرند.
 (۱) رابطه (۲) تقدم، برتری
 (۳) حفاظت (۴) تهیه، تدارک
- ۲۵- (۱) نگرانی اصلی ما عبارت است از فراهم کردن شغل برای تمامی فارغ التحصیلان جوان.
 (۱) اصلی (۲) متناسب
 (۳) تخمین زده شده (۴) کهن، پیشین
- ۲۶- (۴) فضای اسکان در داخل کمپ تا حدی ابتدائی بود.
 (۱) کافی (۲) کافی
 (۳) مرتبط (۴) ابتدایی، بدوی
- ۲۷- (۳) مدارس برای آماده‌سازی بچه‌ها برای دنیای کار می‌بایست تلاش بیشتری کنند.
 (۱) قصد داشتن (۲) حفاظت کردن
 (۳) آماده کردن (۴) جلوگیری کردن
- ۲۸- (۳) تخمین زدن اینکه چه تعدادی از درختان تخریب شده‌اند دشوار بود.
 (۱) محدود کردن (۲) وفق دادن (۳) تخمین زدن (۴) تحمیل کردن، اعمال کردن
- ۲۹- (۱) در بررسی جنایت، او به عنوان مظنون اصلی لقب گرفته بود.
 (۱) اصلی (۲) عجیب (۳) بدوی (۴) تأثیرگذار، با نفوذ
- ۳۰- (۲) برنامه زمان‌بندی نهایی نیست، اما ما انتظار تغییرات زیادی را نداریم. (اما تغییرات زیادی را پیش‌بینی نمی‌کنیم)
 (۱) تخمین زدن (۲) پیش‌بینی کردن، انتظار داشتن
 (۳) هدایت کردن، انجام دادن (۴) اختصاص دادن، منظور کردن

● لغت regard در تست شماره ۲۸ به معنای «ملاحظه کردن، توجه کردن» می‌باشد. به مثال زیر دقت کنید:
 Local people regard this idea of a motorway through their village with horror.

مردم محلی به ایده عبور بزرگراه از میان دهکده‌شان با بیزارگی می‌کنند/ملاحظه می‌کنند.

● دراطلبان گرامر دقت کنید لغت disregard به معنای «نادیده گرفتن، بی‌توجهی» می‌باشد.